

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگرفته از : وبلاگ کرادل
نویسنده: پیه اسکوبار
برگردان: سایت «مهر»
۰۶ سپتمبر ۲۰۲۲

اوکراین: جانی بین افغان سازی و سوریه سازی



Vlad Karkov/SOPA Images/LightRocket via Getty Images

نبرد ادامه خواهد یافت و آنچه از اوکراین باقی مانده است، همانطور که بیشتر سوریه را ویران کردند، نابود خواهد شد. تفاوت این است که از نظر اقتصادی، خیلی بیشتر از سوریه، آنچه از اوکراین باقی می‌ماند در خلأی سیاه فرو خواهد رفت. فقط قلمرو تحت کنترل روسیه بازسازی خواهد شد و به‌طور قابل توجهی شامل بخش عمده زیرساخت‌های صنعتی اوکراین می‌شود.

اوکراین به‌عنوان یک ملت تمام شده است - هیچ یک از طرفین در این جنگ آرام نخواهند گرفت. تنها سؤال این است که آیا این یک فینال به سبک افغانی خواهد بود یا سوری.

یک سال پس از تحقیر حیرت‌انگیز ایالات متحده در کابل - و در آستانه یک حمله جدی دیگر در دونباس - بی‌دلیل نخواهد بود اگر باور کنیم که مسکو نسبت به انتقام‌جوئی واشنگتن محتاط است: در قالب «افغانی‌سازی» اوکراین. بدون هیچ پایانی در جریان تسلیحات و منابع مالی غرب به کیف، باید پذیرفت که نبرد اوکراین احتمالاً به یک جنگ بی‌پایان دیگر منتهی می‌شود. مانند جهاد افغانستان در دهه ۱۹۸۰ که از چریک‌های مسلح ایالات متحده و حمایت مالی

برای درگیر ساختن روسیه در آنجا استفاده کرد، حامیان اوکراین از روش‌های آزمایش شده در جنگ برای اجرای نبردی طولانی استفاده خواهند کرد که می‌تواند به سرزمین‌های مرزی روسیه سرایت کند.

با این حال، این تلاش رمزنگاری شده ایالات متحده برای افغان‌سازی اوکراین، در بهترین حالت به تکمیل آنچه سرگئی شویگو، وزیر دفاع روسیه به‌عنوان «وظایف» عملیات ویژه نظامی (SMO) در اوکراین توصیف می‌کند، سرعت خواهد بخشید. برای مسکو در حال حاضر، این جاده به اودسا منتهی می‌شود.

تا قبل از ترور اخیر دریا دوگینا در دروازه‌های مسکو، لازم نبود که چنین شود، میدان نبرد در اوکراین در واقع تحت فرآیند «سوریه‌سازی» بود.

مانند جنگ نیابتی خارجی در سوریه در دهه گذشته، خطوط مقدم در اطراف شهرهای مهم اوکراین تقریباً تثبیت شده بود. کیف با شکست در میدان‌های بزرگتر جنگ، به‌طور فزاینده‌ای به استفاده از تاکتیک‌های تروریستی متوسل شده بود. هیچ‌یک از طرفین نتوانستند به‌طور کامل بر تئاتر عظیم جنگ تسلط یابند. از همین رو، ارتش روسیه خلاف ستراتیژی که در دهه ۱۹۸۰ در افغانستان به‌کار گرفت، نیروهای حداقلی را در نبرد حفظ کرد.

بیابید با هم چند واقعیت سوریه را به‌یاد آوریم: پالمیرا در مارچ ۲۰۱۶ آزاد شد، سپس در سال ۲۰۱۷ از دست رفت و دوباره تصرف شد. حلب تنها در دسامبر ۲۰۱۶ آزاد شد. دیرالزور در سپتامبر ۲۰۱۷. بخشی از شمال حماه در دسامبر و جنوری ۲۰۱۸. حومه دمشق در بهار ۲۰۱۸. ادلب - و به‌طور قابل توجهی، بیش از ۲۵ درصد از خاک سوریه - هنوز آزاد نشده است. این در مورد ریتم یک تئاتر جنگی چیزهای زیادی می‌گوید.

ارتش روسیه هرگز تصمیم آگاهانه‌ای برای قطع جریان چندکاناله سلاح‌های غربی به کیف نگرفت. انهدام سیستماتیک این تسلیحات پس از استقرار در خاک اوکراین - با موفقیت بزرگ - موضوع دیگری است. همین امر در مورد درهم شکستن شبکه‌های مزدور نیز صدق می‌کند.

مسکو بخوبی می‌داند با کسانی که در واشنگتن دست به این کار زده‌اند - و همه شروط را به دست‌نشانده‌ها در بروکسل و کیف دیکته می‌کنند - هرگونه مذاکره بیهوده است. مبارزه در دونباس و فراتر از آن امری برای انجام و یا مرگ است.

بنابراین، نبرد ادامه خواهد یافت و آنچه از اوکراین باقی مانده است، همانطور که بیشتر سوریه را ویران کردند، نابود خواهد شد. تفاوت این است که از نظر اقتصادی، خیلی بیشتر از سوریه، آنچه از اوکراین باقی می‌ماند در خلأی سیاه فرو خواهد رفت. فقط قلمرو تحت کنترل روسیه بازسازی خواهد شد و به‌طور قابل توجهی شامل بخش عمده زیرساخت‌های صنعتی اوکراین می‌شود.

آنچه که باقی می‌ماند - اوکراین ناقص - به هر حال قبلاً غارت شده است، زیرا در حال حاضر مونسانتو، کارگیل و دوپون ۱۷ میلیون هکتار از زمین‌های زراعی حاصلخیز و مرغوب - بیش از نیمی از آنچه را اوکراین هنوز در اختیار دارد، در چمدان گذاشته‌اند. این در واقع به‌معنای بلک راک، بلک استون و ونگارد، سهامداران برتر تجارت کشاورزی، مالک زمین‌هایی‌اند که واقعاً در اوکراین غیرمستقل اهمیت دارد.

با نگاه به جلو، روس‌ها تا سال آینده خود را برای قطع راه‌های تدارک و تجهیز تسلیحاتی کیف از طریق ناتو آماده خواهند کرد. با آشکار شدن این موضوع، انگلو - امریکائی‌ها در نهایت هر رژیم دست‌نشانده‌ای را که باقی بماند، به لویو منتقل خواهند کرد. و تروریسم کیف - که توسط عبادت‌کنندگان باندر صورت می‌پذیرد - با حالتی جدید و عادی، در پایتخت ادامه خواهد یافت.

بازی ریاکارانه قزاقستان

کاملاً واضح است که در حال حاضر این یک جنگ، صرفاً برای تسخیر سرزمین نیست. این قطعاً بخشی از جنگ کریدورهای اقتصادی است - زیرا ایالات متحده از هیچ تلاشی برای خرابکاری و شکستن کانال‌های ارتباطی متعدد پروژه‌های ادغام اوراسیا، چه به رهبری چین (ابتکار کمربند و جاده، BRI) و چه به رهبری روسیه (اتحادیه اقتصادی اوراسیا، EAEU) دریغ نمی‌کند.

درست مانند جنگ نیابتی در سوریه که بخش‌های وسیعی از غرب آسیا را بازسازی کرد (برای مثال، اردوخان در شرف دیدار با اسد است)، مبارزه در اوکراین نیز، در یک جهان کوچک، جنگی است برای تغییر شکل نظم کنونی جهان، که در آن اروپا تنها قربانی صرفاً خودساخته در یک داستان فرعی است. تصویر بزرگ، ظهور جهان چندقطبی است.

جنگ نیابتی در سوریه یک دهه به‌طول انجامید و هنوز تمام نشده است. همین امر ممکن است برای جنگ نیابتی در اوکراین نیز اتفاق بیفتد. در حال حاضر، روسیه منطقه‌ای را تصاحب کرده است که تقریباً معادل مجارستان و اسلواکی است. این هنوز با انجام «وظیفه» فاصله دارد - و تا زمانی که روسیه تمام زمین‌ها را تا دنیپر و همچنین اودسا تصرف کند و آن را به جمهوری مفصل ترانس نیستریا متصل کند، ادامه خواهد داشت.

وقتی مسأله واضح‌تر دیده می‌شود که واکنش بازیگران مهم اوراسیا را ببینیم که تا چه اندازه به چنین اشتفتگی ژئوپلیتیکی واکنش نشان می‌دهند و این ما را به پرونده قزاقستان و ترکیه می‌رساند.

کانال تلگرامی Rybar (با بیش از ۶۴۰ هزار دنبال‌کننده) و گروه هکر Beragini در تحقیقاتی فاش کردند که قزاقستان در حال فروش سلاح به اوکراین است که به‌معنای خیانت واقعی علیه متحدان روس خود در سازمان پیمان امنیت جمعی (CSTO) است. همچنین در نظر بگیرید که قزاقستان نیز بخشی از سازمان همکاری شانگهای (SCO) و EAEU، دو قطب نظم چندقطبی به رهبری اوراسیا است.

در نتیجه این رسوائی، قزاقستان مجبور شد به‌طور رسمی تا پایان سال ۲۰۲۳ صادرات سلاح را تعلیق کند. این کار زمانی آغاز شد که هکرها آشکار کردند که چگونه تکنواکسپورت - یک شرکت قزاق - به دستور بریتانیا، نفربرهای مسلح، سیستم‌های ضد تانک و مهمات را از طریق واسطه‌های اردنی به کیف می‌فروشد. این قرارداد تحت نظارت وابسته نظامی بریتانیا در نورسلطان، پایتخت قزاقستان هم‌آهنگ و اجراء می‌شد.

همانطور که پیش‌بینی می‌شد، نورسلطان سعی کرد این اتهامات را رد کند و استدلال کرد که تکنواکسپورت برای صادرات مجوزی درخواست نکرده است. این اساساً نادرست بود: تیم رایبار دریافت کرد که تکنواکسپورت برای این صادرات، در عوض از یک شرکت اردنی Blue Water Supplies، استفاده کرده است و داستان حتی آبدارتر هم می‌شود، وقتی که تمام اسناد این قرارداد در کمپیوترهای اینتل اوکراین یافت شد.

علاوه بر این، هکرها از معامله دیگری با شرکت Kazspetsexport برای فروش S27 قزاق، توربین هواپیما و هلیکوپتر Mi24 از طریق یک خریدار بلغاری مطلع شدند. اینها به ایالات متحده تحویل داده می‌شد، اما مقصد نهائی آنها اوکراین بود.

دیگر از این بهتر نمی‌شود که بدانیم قزاقستان مقادیر قابل توجهی نفت روسیه - نه نفت قزاقستان - را نیز به کیف می‌فروشد. بنابراین به‌نظر می‌رسد که نورسلطان، شاید به‌طور غیررسمی، به‌نوعی به «افغانی‌سازی» در جنگ اوکراین کمک می‌کند. البته هیچ خبر دیپلماتیک تأییدکننده‌ای وجود ندارد، اما می‌توان شرط‌بندی کرد که پوتین در دیدار اخیر - صمیمانه - خود، در این مورد چند چیز را به رئیس‌جمهور قاسم ژومارت توکایف گوشزد کرده است.

عمل متعادل‌کننده سلطان

ترکیه پرونده پیچیده‌تری است. انقره عضو سازمان همکاری شانگهای، CSTO یا اورآسیا EAEU، نیست. این کشور همچنان دودزهبازی می‌کند، و محاسبه می‌کند که با چه شرایطی به راه‌آهن سریع‌السیار ادغام اورآسیا می‌پیوندد. با این حال، از طریق چندین طرح، انقره به مسکو اجازه می‌دهد تا از بهمن تحریم‌ها و محدودیت‌های غرب فرار کند.

کسب‌وکارهای ترکیه - به‌معنای واقعی کلمه همه آنها با رئیس‌جمهور رجب طیب اردوخان و حزب عدالت و توسعه او (AKP) در ارتباط نزدیک هستند - پول فراوانی به جیب می‌زنند و از نقش جدید خود به‌عنوان انبار چهارراه بین روسیه و غرب لذت می‌برند. در استانبول این یک فخر است که بگویند، روسیه نمی‌تواند از المان یا فرانسه بخرد، آنها «از ما» می‌خرند. و در واقع چندین شرکت اتحادیه اروپا در آنجا حضور دارند.

عمل متعادل‌کننده و متوازن انقره، برای این کشور، کسب حمایت از یک شریک بسیار مهم اقتصادی، آن هم درست در میانه ناکامی بی‌پایان و بسیار جدی اقتصادی ترکیه، به شیرینی یک باقلوای خوب است. آنها تقریباً در همه چیز توافق دارند: گاز روسیه، سیستم‌های راکتی اس ۴۰۰، ساختمان نیروگاه هسته‌ای روسیه، گردشگری - استانبول مملو از روس‌ها است - میوه‌ها و سبزیجات ترکی.

انقره و مسکو از کتاب درس ژئوپلیتیک صوتی صحیح استفاده می‌کنند. آنها آن را آشکارا و با شفافیت کامل پخش می‌کنند. این بدان معنا نیست که آنها متحد هستند. این فقط یک تجارت عمل‌گرایانه بین دولت‌ها است. به‌عنوان مثال، یک پاسخ اقتصادی ممکن است یک مشکل ژئوپلیتیکی را کاهش دهد و بالعکس.

بدیهی است که غرب جمعی به‌طور کامل فراموش کرده است که رفتار عادی بین دولت‌ها چگونه کار می‌کند. رقت‌انگیز است. ترکیه از سوی غرب، به همان اندازه خائن تلقی و «محکوم» می‌شود که چین.

البته اردوخان همچنین برای خودشیرینی و جلب محبوبیت هر کاری می‌کند، بنابراین هر از چند گاهی می‌گوید که کریمه باید توسط کیف بازپس گرفته شود. از این گذشته، شرکت‌های او با اوکراین نیز تجارت می‌کنند - هواپیماهای بدون سرنشین Bayraktar و غیره.

و سپس تبلیغ: کریمه از لحاظ نظری برای نفوذ ترکیه آماده است، جایی که انقره ممکن است از مفاهیم پان‌اسلامیسم و عمدتاً پان‌ترکیسم بهره‌برداری کند و روی روابط تاریخی بین شبه‌جزیره و امپراتوری عثمانی سرمایه‌گذاری کند. آیا مسکو نگران است؟ نه واقعاً. در مورد آن دسته از Bayraktar TB2 که به کیف فروخته شده‌اند، همچنان بی‌وقفه به خاکستر تبدیل شده و خواهند شد. هیچ چیز شخصی وجود ندارد. فقط تجارت.